

رضا زیبب^۱

پوتین عملاً سابقه قابل توجهی در امور اقتصادی ندارد لیکن براساس اظهارات و انتصابات او در امور اقتصادی می‌توان گرایشهای اقتصادی رئیس‌جمهور جدید را تبیین نمود. پوتین پس از مراسم تحلیف ریاست جمهوری صراحتاً اعلام نمود موفقیت خود را در امور اقتصادی جستجو می‌کند؛ زیرا شرایط امروز ایجاب می‌نماید که زندگی مردم روسیه در بخش اقتصادی و رفاهی متحول شود. در راستای تحول اقتصادی و ایجاد اشتغال، پوتین اعلام نموده است روسیه باید به موازات باز نمودن مرزهای واردات، صنعت داخلی را نیز در یک پروسه منطقی متحول نماید به گونه‌ای که روسیه از یک کشور صادرکننده مواد خام، به یک کشور صادرکننده محصول تمام شده تبدیل شود. پوتین در برخورد با مقوله مهم جایگاه دولت در امور اقتصادی، واگذاری هر امر اقتصادی به دولت را مردود دانسته و سیاست اقتصادی دولت را سیاستی لیبرال و میانه اعلام نموده است.

ظهور ولادیمیر پوتین در عرصه قدرت روسیه - به‌عنوان نخست‌وزیر، کفیل ریاست جمهوری و نهایتاً رئیس‌جمهور را می‌توان مقارن با دوران تثبیت اقتصاد روسیه پس از بحران ۱۹۹۸ و حتی فراتر از آن پس از فروپاشی شوروی دانست. با گذشت کمتر از یک سال از ظهور پوتین و دوران تثبیت اقتصادی روسیه، هم‌اکنون دولت در شرایطی قرار دارد که مدیریت روزانه مسایل اقتصادی را پشت سر گذاشته و تدوین یک برنامه بلندمدت اقتصادی را در دستور کار فوری خود قرار داده است.^۲

۱. آقای رضا زیبب کارشناس مسایل اقتصادی روسیه است.

۲. این برنامه به‌صورت سه برنامه ۱۸ ماهه، ۴-۳ ساله و ۱۰ساله مراحل نهایی تدوین را طی می‌نماید و سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را پوشش می‌دهد. شاخصهای کلان این برنامه در ادامه این مقاله مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

صرف نظر از سوابق و تجارب شخصی پوتین در امور اقتصادی^۱، سه محور را می توان به عنوان «عوامل و نتایج» در بررسی تحولات جدید اقتصادی روسیه تشریح نمود:

۱. عوامل اقتصادی و سیاسی موجد تحولات نوین اقتصادی در روسیه؛
۲. دیدگاههای شخص پوتین و گروه اقتصادی او؛
۳. دستاوردهای ناشی از تقارن و تلفیق عوامل فوق: شاخصهای کلان اقتصاد روسیه در سال جاری، سال آینده و برنامه بلندمدت.

حاصل تشریح سه محور فوق، ترسیم وضعیت جاری و دید بلندمدت از اقتصاد روسیه، حداقل از دیدگاه اقتصادی حاکم است که در این مقاله مورد توجه می باشد.

عوامل اقتصادی و سیاسی

در خصوص بهبود وضعیت اقتصادی روسیه و علل آن، دو دیدگاه مختلف وجود دارد:

دیدگاه اول که بیشتر از سوی کارشناسان خارجی ارائه می شود معتقد است بهبود اقتصاد روسیه ناشی از دو عامل است:

- آثار مثبت مترتب بر سقوط ارزش برابری روبل در مقابل ارزهای معتبر در جریان بحران اقتصادی اوت ۱۹۹۸ که به صورت کاهش شدید واردات، فعال شدن صنعت، افزایش صادرات و تشدید گردش اقتصادی بروز پیدا نمود؛

- افزایش قابل توجه در قیمت جهانی نفت و گاز و سایر مواد خام و اولیه صادراتی روسیه مانند: انواع فلزات آهنی و غیر آهنی.

این دیدگاه معتقد است دو عامل فوق در آینده نزدیک موقعیت فعلی خود را از دست

۱. ولادیمیر پوتین فارغ التحصیل رشته حقوق بوده و عملاً تحصیلات یا تجربه قابل توجهی در امور اقتصادی ندارد. دو تجربه محدود او در امور اقتصادی را می توان دوران معاونت شهرداری سن پترزبورگ و معاونت صندوق اموال کرملین دانست.

خواهند داد و به این ترتیب روند بهبود اقتصاد روسیه، حداقل با سرعت فعلی نمی‌تواند ادامه داشته باشد. در مجموع این دیدگاه، مبنای رشد جاری اقتصاد روسیه را خارجی و لذا خارج از کنترل دولت تلقی نموده و معتقد است نیروهای خارجی فرصت بی‌نظیری را در اختیار روسیه گذاشته‌اند که در صورت بهره‌داری مناسب، می‌توان نسبت به آینده اقتصاد روسیه خوشبین بود. به‌عنوان نمونه، این دسته از کارشناسان اقتصاد روسیه با بروز آثار ضعیفی از کاهش رشد اقتصادی در آمریکا در ماه آوریل - به‌عنوان یکی از واردکنندگان اصلی مواد خام روسیه - اعلام نمودند ادامه این روند در پایان سال جاری میلادی می‌تواند تأثیر منفی خود را بر اقتصاد روسیه نشان دهد.

دیدگاه دوم که یک نظریه روسی است و مشخصاً از سوی ایلاریانف مشاور اقتصادی پوتین ارائه شده^۱، به‌رغم اذعان به وجود عوامل مورد اشاره در نظریه اول، معتقد است رشد فعلی اقتصاد روسیه هیچ ارتباطی با آثار ناشی از کاهش ارزش روبل یا افزایش قیمت جهانی نفت ندارد؛ زیرا این دو عامل قبلاً نیز در روسیه اتفاق افتاده لیکن هیچ تأثیر مثبتی بر اقتصاد روسیه نداشته است. ارزش برابری روبل از حدود یک روبل در مقابل هر دلار در اوایل دهه ۹۰، طی سه مرحله به بیش از پنج هزار روبل در مقابل هر دلار تا قبل از بحران ۹۸ رسید. قیمت نفت نیز سالهای ۹۳ و ۹۶ افزایش قابل توجهی داشت لیکن از ابتدای فروپاشی تا نیمه دوم سال ۹۹ روند نزولی اقتصاد روسیه به صورت مستمری ادامه داشته است؛ لذا این موارد را نمی‌توان به‌عنوان عوامل بهبود اقتصاد روسیه دانست. نکته جالب توجه اینک، در سال ۹۹ آثار اولیه بهبود اقتصادی زمانی در روسیه پیدا شد که قیمت نفت در پایین‌ترین حد خود در دوران رکود بازار جهانی نفت بود. از نظر ایلاریانف، علت اصلی بهبود وضعیت اقتصادی اتخاذ سیاست مالی و پولی صحیح تحت فشار ناشی از کاهش شدید درآمدهای دولت بود که به‌واسطه کاهش شدید و

۱. پس از اعلام اولیه این نظریه از سوی ایلاریانف، شماری از محققان که در تدوین برنامه اقتصادی دولت دخالت دارند نیز این نظریه را مطرح و حمایت نمودند.

طولانی قیمت نفت و سایر مواد اولیه صادراتی روسیه از سوی دولت اتخاذ شد. دو محور اصلی این سیاست عبارت بود از کاهش شدید هزینه‌ها، دقت قاطعانه در تأمین درآمدهای پیش‌بینی شده به‌ویژه در بخش مالیات و جلوگیری از کسری بودجه.

از نظر سیاسی آنچه که زمینه لازم را برای نیل به آثار مثبت اقتصادی فراهم آورد، ثبات سیاسی حاکم بر روسیه پس از ورود پوتین به عرصه قدرت بود. با ورود پوتین، دوره عزل و نصب‌های مکرر که پس از برکناری چرنومردین شروع شده بود خاتمه یافت و تا به امروز پوتین با ایجاد کمترین تغییرات کادری، تقریباً تمامی تیم خود متشکل از نیروهای قدیم و جدید را حفظ نموده است.^۱ نکته مهم‌تر اینکه، پوتین به صورت نانوخته تاکنون مانع از ورود تیم خود و حتی نخست‌وزیر در امور سیاسی شده است. از طرف دیگر پوتین در تلاشی موفق، توانسته است نیروی اپوزیسیون سنتی را خلع سلاح و از شکل‌گیری احتمالی اپوزیسیون جدید نیز ممانعت نماید.^۲ به گونه‌ای که مثلاً حزب کمونیست به‌عنوان نیروی اصلی اپوزیسیون تاکنون نتوانسته است در شعارها یا عملکرد دولت سوژه مناسبی برای مخالفت جدی پیدا نماید. مجموعه عملکرد داخلی پوتین در حوزه سیاست موجب شده است که بستر آرام و بدون تنش برای پیگیری امور، به‌ویژه در بخش اقتصادی فراهم شود.

شوریه‌شناسی و مطالعات فرهنگی

۱. یکی از نظرهای موجود در روسیه این است که عدم برخورداری پوتین از سابقه مهم سیاسی او را وادار به انتخاب کاسیانف به‌عنوان نخست‌وزیر نموده است. لذا این دولت در واقع دولت دوره گذار خواهد بود و رئیس‌جمهور روسیه با انتخاب مهره‌های اصلی خود، احتمالاً تا اواخر سال جاری این دولت را برکنار خواهد نمود، لیکن عملکرد موفق کاسیانف در نیل به این سمت از یک‌سو و شایعات موجود مبنی بر حمایت حداقل محور کلیدی الیگارش‌ی از او نشان می‌دهد که شانس بقای دولت کاسیانف قوی است به‌ویژه اگر شرایط مطلوب فعلی در امور اقتصادی استمرار پیدا نماید.

۲. این قضاوت مبتنی بر عملکرد پوتین تا تاریخ نگارش این مقاله است. اولین برخورد جدی با نظریات پوتین که تاکنون حتی موفق نشده است به عنوان مخالف رسمی و جدی نیز ظهور پیدا کند، لوایح پیشنهادی او مبنی بر تغییر ساختار شورای فدراسیون و کاهش شدید اختیارات مقامات محلی بود. در این مورد نیز همانگونه که انتظار می‌رفت، لوایح موردنظر پوتین با اصلاحاتی به تصویب دوما رسید.

گرایشهای اقتصادی پوتین

پوتین عملاً سابقه قابل توجهی در امور اقتصادی ندارد لیکن براساس اظهارات و انتصابات او در امور اقتصادی می‌توان گرایشهای اقتصادی رئیس‌جمهور جدید را تبیین نمود. پوتین پس از مراسم تحلیف ریاست جمهوری صراحتاً اعلام نمود موفقیت خود را در امور اقتصادی جستجو می‌کند؛ زیرا شرایط امروز ایجاب می‌نماید که زندگی مردم روسیه در بخش اقتصادی و رفاهی متحول شود. در راستای تحول اقتصادی و ایجاد اشتغال، پوتین اعلام نموده است روسیه باید به موازات باز نمودن مرزهای واردات، صنعت داخلی را نیز در یک پروسه منطقی متحول نماید به گونه‌ای که روسیه از یک کشور صادرکننده مواد خام، به یک کشور صادرکننده محصول تمام شده تبدیل شود.

پوتین در برخورد با مقوله مهم جایگاه دولت در امور اقتصادی، واگذاری هر امر اقتصادی به دولت را مردود دانسته و سیاست اقتصادی دولت را سیاستی لیبرال و میانه اعلام نموده است. رئیس‌جمهور روسیه در سفر اخیر خود به اسپانیا و ایتالیا نیز «عدم مداخله دولت در امور تجاری و استقرار و اعمال قواعد مشخص بازی در صحنه اقتصاد برای همه بازیگران از جمله دولت» را در کنار «تسهیل و ساده‌سازی امور مالی در اقتصاد ملی» از جمله اولویتهای اقتصادی روسیه برشمرده است. به‌رغم این گرایشهای لیبرالیستی، پوتین در اظهارنظرهای قبلی خود نوعی از حضور دولت در امور اقتصادی را ضروری خوانده و اعلام نموده است: «تقویت نقش دولت در اقتصاد به معنی تقویت نهادهای قانونی، نیروهای قضایی و ابزارهای ضد انحصارات از سوی دولت است تا بتوانند از جامعه به‌عنوان یک هویت کلان و عمومی، و نه منافع گروههای خاص حمایت نمایند. این نهادها باید تقویت شود و دولت این کار را خواهد کرد»^۱ موضع پوتین قبل از تصدی پست ریاست جمهوری حتی از این نیز شدیدتر بوده و اعلام نموده است: «اصلاحات

۱. خبرگزاری ایترفاکس، مورخ ۱۷ مه ۲۰۰۰.

اقتصادی باید تحت نظارت، کنترل شدید و دخالت دولت انجام شود. باید بپذیریم نقش روسیه در اقتصاد جهانی کاهش یافته است اما نباید آن را تحمل کرد. امروز روسیه از نظر استاندارد عمومی زندگی در رده ۷۱ جهانی است و بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و حتی شوروی سابق از آن جلوتر هستند. این بدان معنی است که باید بشدت کار کنیم و اصلاحات را ادامه دهیم اما این امر باید تحت کنترل و با دخالت دولت صورت گیرد. حضور قوی دولت نیز مستلزم تقویت نهادهای قدرت است.^۱ محور اصلی تأکید پوتین بر حضور قوی دولت در اقتصاد، «تأمین و تضمین ابعاد رفاه اجتماعی و دستاوردهای اصلاحات اقتصادی برای مردم» است.

انتصابات پوتین

از نظر انتصابات، مهمترین انتصابات پوتین را می‌توان انتصاب ایلاریانف به‌عنوان مشاور اقتصادی، تعیین گرمان‌گرف به‌عنوان رئیس مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری جهت تدوین برنامه اقتصادی دولت جدید و نهایتاً انتصاب کاسیانف به‌عنوان نخست‌وزیر برشمرد. گرمان‌گرف و ایلاریانف دو اقتصاددان لیبرال مواضع کاملاً نزدیکی دارند. گرمان‌گرف اقتصاددانی است طرفدار نیل به یک اقتصاد آزاد و توأم با نقش نظارتی - تنظیمی دولت در اقتصاد است. نامبرده در کنفرانس تحولات اقتصادی روسیه که اوایل سال جاری در لندن برگزار شد اظهار داشت: «ما در حال تدوین برنامه‌ای لیبرال هستیم که مقررات دولتی در آن نقش قابل توجهی خواهد داشت».^۲ نامبرده همچنین در تشریح برنامه اقتصادی موردنظر خود گفته است این برنامه بر اساس واقعیات موجود تنظیم می‌شود و نمی‌تواند تضمین نماید که مورد پسند و تأیید سازمانهای مالی بین‌المللی (مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) خواهد بود.

۱. خبرگزاری ایترفاکس، مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۰.

۲. مواضع ایلاریانف در بخش اول مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

کاسیانف که به‌عنوان نخست‌وزیر نیز منصوب شده است، یک بوروکرات با سابقه و حرفه‌ای می‌باشد که سابقه طولانی در وزارت دارایی و به‌ویژه مذاکره با سازمانهای مالی بین‌المللی داشته است. نخست‌وزیر جدید روسیه که از جمله افراد تیم اقتصادی پوتین تلقی می‌شود، از ابتدای فعالیت خود به‌عنوان وزیر دارایی و معاون نخست‌وزیر، طرفدار تدوین برنامه بلندمدت اقتصادی و رهایی از برنامه‌های کوتاه‌مدت بوده است. از طرف دیگر، کاسیانف در صحنه داخلی ضمن تلاش جهت ترسیم چهره‌ای مستقل از خود در امور اقتصادی سیاستهایی را اعلام نموده است که با سیاستهای پوتین و دفتر ریاست جمهوری متفاوت خواهد بود. براساس اظهارات کاسیانف به‌ویژه در جریان کسب اعتماد دوماي کشور روسیه برای تصدی پست نخست‌وزیری، محورهای عمده حرکت اقتصادی دولت او به شرح ذیل می‌باشد:

- نیل به اجماع عمومی در خصوص برنامه‌های دولت: زیرا ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی روسیه در نوع تفکر عمومی مردم است؛

- تسریع در روند اصلاحات: زیرا اعتماد عمومی دولت هزینه شده است؛

- کنترل و نظارت کامل دولت بر انحصارات طبیعی در راستای افزایش کارایی و عملکرد

شفاف آنها؛

- کاهش مالیات و ساده‌سازی سیستم آن توأم با رعایت انضباط دقیق مالی؛

- جهت‌گیری در راستای صادرات کالاهای تمام شده.

کاسیانف با نگرشی واقع‌بینانه معتقد است به‌رغم بهبود قابل توجه در شاخص‌های مختلف اقتصادی طی یک سال گذشته، پایه‌های موفقیت اقتصادی دولت مطمئن نیست؛ زیرا مشکلات اقتصادی و اجتماعی به قوت خود باقی است.^۱ در واقع تضمین و استمرار این موفقیت‌ها مشروط به عملی شدن برنامه اقتصادی فوق‌الذکر است.

۱. خبرگزاری ایترفاکس، مورخ ۱۷ مه ۲۰۰۰.

دستاوردهای تلفیق مدیریت و شرایط جدید اقتصادی

۱. وضعیت اقتصادی روسیه در سال جاری

باگذشت حدود پنج ماه از سال جاری میلادی قرائن موجود حاکی از اجرای کامل لایحه بودجه و وضعیت مطلوب اقتصادی است. شاخصهای عمده اقتصاد روسیه طی این مدت به شرح ذیل بوده است:

- بازپرداخت بدهی خارجی

روسیه در ۴ ماهه اول بدون رجوع به منابع بانک مرکزی ۳/۱۴ میلیارد دلار از بدهی خارجی را پرداخت نموده است. در سال جاری روسیه باید ۱۰/۲ میلیارد دلار بدهی خارجی پرداخت نماید که پیش‌بینی می‌شود در این مورد با مشکلی مواجه نشود. لذا وزارت دارایی پیش‌بینی نموده است در پایان سال جاری برای اولین بار بدهی خارجی روسیه از ۱۵۸ میلیارد دلار در ابتدای سال جاری افزایش نخواهد یافت که این امر به معنی تحقق یکی از سیاست‌های کلان دولت جدید یعنی امتناع از افزایش بدهی خارجی و بازپرداخت تدریجی آن است.^۱

- ذخایر بانک مرکزی

درآمد بالای ارزی ناشی از صادرات، عدم استقراض دولت از بانک مرکزی و کاهش شدید تقاضای داخلی برای ارز به علت ثبات ارزش برابری روبل در پنج ماه اول سال جاری موجب شده است که ذخایر بانک مرکزی که در سال گذشته به کمتر از ۱۲ میلیارد رسیده بود، از ابتدای سال جاری تاکنون با بیش از ۵۰ درصد رشد به ۲۰/۱ میلیارد دلار برسد.^۲ روند مطلوب رشد این

۱. از کل رقم ۱۵۸ میلیارد دلار بدهی، ۱۰۳ میلیارد بدهی شوروی سابق و ۵۴/۵ میلیارد بدهی روسیه است. کل رقم برابر با تولید ناخالص داخلی کشور است که شاخص خطرناکی است.

۲. پیش‌بینی می‌شود این رقم تا پایان سال به ۲۵ میلیارد دلار برسد.

ذخایر به گونه‌ای است که برخی از مقامات پیشنهاد حذف قانون فروش اجباری ۵۰ درصد از ارز ناشی از صادرات به بانک مرکزی را مطرح نموده‌اند. همچنین گفته می‌شود ادامه این روند به تقویت ارزش برابری روبل در مقابل ارزهای معتبر خواهد انجامید که برای اقتصاد و به‌ویژه صادرات روسیه زیانبار خواهد بود.

- نرخ تورم

به‌رغم اینکه بودجه سال جاری نرخ تورم را ۱۸ درصد پیش‌بینی نموده است، طی شش ماه اول سال تورم ماهانه حدود ۱ درصد بوده و تا نیمه ماه ژوئن به ۶/۸ درصد رسیده است؛ در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته به ۲۲/۲ درصد رسیده بود. پیش‌بینی وزارت اقتصاد این است که نرخ تورم حدود ۱۲ درصد خواهد بود و در نامناسب‌ترین شرایط این رقم به ۱۴ درصد خواهد رسید.

- رشد صنعت و سرمایه‌گذاری

رشد صنعت طی پنج ماه اول سال ۱۰/۴ درصد و سرمایه‌گذاری ۸ درصد بوده است. پیش‌بینی می‌شود با ادامه این روند، مجموع سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه طی سال جاری به ۶ میلیارد دلار برسد. سرمایه‌گذاری داخلی نیز به ۹۷۰ میلیارد روبل خواهد رسید که حدود ۵۰ درصد بیش از رقم ۶۶۰ میلیارد روبل سال گذشته است.

- وضعیت درآمدها، هزینه‌ها و مازاد بودجه

وضعیت مناسب بازارهای بین‌المللی و جمع‌آوری مالیات در داخل کشور موجب شد در چهار ماه اول درآمدها ۳۱۲ و هزینه‌ها ۲۸۸ میلیارد روبل باشد^۱ که ۲۴ میلیارد روبل بیش از

۱. این ارقام به‌طور متوسط بیش از یکصد درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد نشان می‌دهد.

پیش بینی لایحه بودجه بوده است. همچنین مازاد بودجه طی پنج ماه اول سال به طور متوسط ماهانه حدود ۱۵ میلیارد روبل بوده است. به عنوان نمونه مازاد دو ماه اول ۲۷ میلیارد^۱، مازاد ماه آوریل ۲۰ میلیارد، مازاد ماه مه ۲۷ میلیارد بوده است.

- موازنه تجارت خارجی

تجارت خارجی در چهار ماه اول سال با ۳۲ درصد رشد به ۴۰/۴ میلیارد دلار رسیده است. از این رقم صادرات با ۴۵ درصد رشد به ۳۰/۶ و واردات با ۳ درصد رشد به ۱۰ میلیارد دلار رسید که نشان دهنده ۲۰/۶ میلیارد دلار موازنه مثبت برای روسیه می باشد.^۲ در این دوره واردات از کشورهای غیر همسود با ۹/۲ درصد رشد منفی به ۶/۷ میلیارد دلار رسید. مجموع گردش تجاری با کشورهای همسود نیز به ۸ میلیارد دلار رسید که از این رقم، واردات با ۴۱ درصد رشد به ۳/۳ میلیارد دلار و صادرات با ۴۷ درصد رشد به ۴/۷ میلیارد دلار رسید که در مجموع ۱/۴ میلیارد دلار موازنه مثبت برای روسیه نشان می دهد.

در خصوص ادامه وضعیت موجود، پیش بینی شده است صادرات امسال ۸/۵ و واردات ۰/۲ درصد رشد خواهد داشت. براساس این پیش بینی وزارت اقتصاد، تا پایان سال جاری کل حجم مبادلات تجاری روسیه و این کشورها با ۱۳/۱ درصد رشد به ۱۰۵/۳ میلیارد دلار خواهد رسید. از این رقم، صادرات روسیه ۷۳/۸ و واردات روسیه ۳۱/۵ میلیارد دلار پیش بینی شده است که در مجموع موجب ۴۲/۳ میلیارد دلار مازاد تجاری مثبت برای روسیه خواهد بود. این امر علاوه بر افزایش قیمت نفت، به علت افزایش قیمت فلزات غیر آهنی و به ویژه نیکل نیز می باشد. وضعیت بازار فلزات آهنی نیز روبه بهبود است و پیش بینی می شود مصرف فولاد ۲ تا ۳ درصد در

۱. در دو ماه اول سال ۹۹ این رقم بیش از ۶ میلیارد دلار منفی یا کسری بودجه بوده است.
 ۲. مازاد تجاری تا ماه مه به ۲۶/۱ میلیارد دلار رسید که نشان دهنده سرعت مطلوب تحولات و رشد اقتصادی روسیه است.

سطح جهانی رشد داشته باشد. از طرف دیگر پیش‌بینی می‌شود واردات از کشورهای غیرهمسود ۰/۴ تا ۰/۷ درصد کاهش داشته باشد. براساس این ارزیابی‌ها، واردات از این کشورها به ۳۰/۵ میلیارد دلار خواهد رسید. صادرات به این کشورها نیز با ۷/۹ درصد رشد به ۶۷/۳ میلیارد دلار خواهد رسید.^۱ کل تجارت با این کشورها نیز به ۹۸ میلیارد دلار خواهد رسید. لذا در مجموع موازنه مثبت تجاری که در سال ۹۹ بیش از ۴۱/۵ میلیارد دلار بود، پیش‌بینی شده است امسال به ۴۷ تا ۵۵ میلیارد دلار برسد.

- تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی روسیه در پنج ماهه اول سال جاری با ۷ درصد رشد به ۱/۲۶ تریلیون روبل رسید. الکساندر پوشینک وزیر مالیات براساس این روند ابراز اطمینان نموده است حتی احتمال کاهش قیمت نفت نیز تأثیر عمده‌ای بر روندهای مثبت اقتصادی نخواهد داشت؛ زیرا به عنوان نمونه در ماه آوریل که قیمت نفت ۲۰ دلار برای هر بشکه بود، مالیات جمع‌آوری شده بیش از زمانی بود که قیمت نفت ۳۰ دلار بود. همچنین براساس پیش‌بینی وزارت دارایی، تولید ناخالص داخلی - که سال گذشته ۳/۲ درصد رشد داشت - در سال جاری با ۴/۵ درصد رشد به ۵/۹ تریلیون روبل خواهد رسید که بیشتر از رقم ۵/۳۵ پیش‌بینی شده در بودجه است.^۲

- ارزش برابری روبل

بررسی ارزش برابری روبل در مقابل ارزهای معتبر از دو جهت اهمیت دارد: اول اینکه به‌عنوان شاخص ثبات اقتصادی تلقی می‌شود و دوم اینکه برای اقتصاد در حال گذاری مانند روسیه، شاخصی برای پیش‌بینی تحلیل آینده اقتصاد به‌ویژه در امر صادرات و واردات می‌باشد.

۱. این ارقام با لحاظ نمودن احتمال کاهش قیمت نفت روسیه تا ۲۰ دلار برای هر بشکه در نیمه دوم سال محاسبه شده است.

۲. برخی از کارشناسان با خوش‌بینی معتقدند این رقم ممکن است تا ۶ درصد نیز برسد.

در حالی که طی دوران پس از فروپاشی و به‌ویژه بعد از بحران مالی اوت ۹۸ تصور عمومی بر این بود که ارزش برابری روبل حتی برای یک ماه هم قابل اعتماد نیست، اکنون بیش از شش ماه است که ارزش برابری روبل در مقابل ارزهای معتبر از ثبات کامل برخوردار بوده است. این امر در حالی اتفاق افتاده است که روسیه بدون دریافت هرگونه اعتبار مالی جدید، در سه ماهه اول سال جاری با پرداخت سه میلیارد دلار به کلیه تعهدات خارجی خود عمل نموده است. از ابتدای سال جاری تاکنون ارزش برابری روبل در مقابل دلار آمریکا از ۲۸/۹ روبل به ۲۸/۲ رسید.^۱ با توجه به ادامه این روند، کارشناسان معتقدند چنانچه بانک مرکزی بازار را به حال خود رها کند، ارزش برابری روبل به ۲۵ تا ۲۶ روبل در مقابل هر دلار خواهد رسید که صدمه‌ای به تولید داخلی و به‌ویژه صادرات بوده موجبات افزایش واردات را فراهم خواهد نمود.

امکان مالی تقویت روبل برای بانک مرکزی موجب شده است این بانک امکان انتشار اوراق قرضه خود را مورد بررسی قرار دهد. از طرف دیگر به‌رغم پیش‌بینی ۳۲ روبل در مقابل هر دلار در لایحه بودجه برای سال جاری، کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند ارزش برابری روبل حداکثر به ۲۹ تا ۳۰ روبل در مقابل هر دلار برسد. از نظر سیاسی، موضوع ارزش برابری روبل به مناقشه‌ای میان دولت جدید و بانک مرکزی تبدیل شده است. کاسیانف نخست‌وزیر معتقد است تقویت روبل برای اقتصاد روسیه زیانبار است و بانک مرکزی نباید از روبل حمایت نماید. ویکتور گراسچنکو رئیس بانک مرکزی نیز به نوبه خود اعلام نموده است بانک مرکزی معتقد است ارزش برابری روبل در هر دو جهت کاهش و افزایش باید شناور باشد زیرا کاهش ارزش برابری روبل برای تأمین هزینه‌های بودجه امری غیرمنطقی است؛ لذا بانک مرکزی به سیاست حفظ ثبات روبل ادامه خواهد داد چون معتقد است ثبات روبل و افزایش ذخایر بانک مرکزی حاکی از کارآمد بودن سیاست پولی بانک مرکزی و ثبات ارزش روبل در آینده است.^۲

۱. اواخر ماه مه این رقم حتی به ۲۸ روبل نیز رسید.

۲. ادامه این مناقشه در اواخر ماه مه موجب شد شایعاتی مبنی بر احتمال برکناری رئیس بانک مرکزی مطرح شود. اگرچه این شایعات تکذیب شد؛ لیکن تغییر احتمالی رئیس بانک مرکزی موجب تردید در

۲. شاخص‌های بودجه سال آینده

کارشناسان اقتصادی روسیه براساس دستاوردهای جاری، پیش‌بینی می‌نمایند بودجه متوازی به تصویب خواهد رسید که شاخصهای کلان آن در شرایط عادی به این شرح قابل پیش‌بینی است.^۱

- رشد تولید ناخالص داخلی ۵ درصد (۶/۸ میلیارد روبل)؛

- رشد صنعتی ۵/۵ درصد؛

- نرخ تورم ۱۰ درصد؛

- رشد صادرات و واردات به ترتیب ۲ و ۳ درصد؛

- ارزش برابری روبل ۳۲ در مقابل هر دلار آمریکا؛

- مازاد بودجه معادل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی؛

به لحاظ اجتماعی نیز پیش‌بینی شده است که روسیه در سال آینده معضل عدم پرداخت‌ها را پشت سر خواهد گذاشت و دولت موفق خواهد شد کلیه بدهی‌های خود به بخشهای مختلف اجتماعی را پرداخت نماید.

۳. برنامه بلندمدت

یوتین از ابتدای تصدی پست جانشینی رئیس جمهور روسیه، مرکز مطالعات استراتژیک اقتصادی وابسته به کرمین را مأمور نمود با مطالعه اقتصاد روسیه، برنامه جامع اقتصادی کشور را تنظیم نماید. براساس این دستورالعمل، مرکز مطالعات استراتژیک پیش‌نویس برنامه را تنظیم نمود که شامل سه بخش ۱۸ ماهه، ۳ ساله و ۱۰ ساله می‌باشد. کاسیانف نخست‌وزیر

ثبات ارزش برابری روبل و استمرار سیاستهای مفید و مؤثر بانک مرکزی خواهد بود.

۱. معتقدان به سناریو منفی تحولات اقتصادی روسیه می‌گویند سال آینده آثار مثبت ناشی از کاهش ارزش برابری روبل موجود نخواهد بود و ادامه رشد فعلی منوط به سرمایه‌گذاری بیشتر، افزایش تقاضای داخلی، بهبود سیستم مالیاتی، تصویب قوانین مناسب و انجام اصلاحات ساختاری است.

روسیه در ابتدای تصدی این سمت در مانورهای سیاسی، برنامه اقتصادی دولت خود را مستقل از برنامه فوق‌الذکر معرفی می‌نمود؛ لیکن نهایتاً اذعان نمود که برنامه اقتصادی دولت در واقع تفاوت عمده‌ای با این برنامه نخواهد داشت. شاخصهای کلان پیش‌بینی شده در این برنامه به شرح ذیل می‌باشد:

- نرخ برابری روبل در مقابل دلار امسال $28/5$ ، سال آینده $31/6$ ، سال 2005 معادل $35/7$ ، سال 2009 برابر با 42 و در سال 2010 معادل $44/8$ خواهد بود؛

- نرخ تورم از 20 درصد پیش‌بینی شده برای سال جاری حداکثر به 14 درصد خواهد رسید، سال آینده 10 و در دوره 2005 تا 2010 حدود 6 درصد خواهد بود. نرخ رشد قیمت مصرف‌کننده نیز امسال 13 ، سال آینده 10 ، 11 ، 9 و 7 درصد تا سال 2004 و از 2005 تا 2010 به‌طور متوسط 6 درصد خواهد بود.

- تولید ناخالص امسال 5 درصد رشد خواهد داشت و طی چهار سال آینده به ترتیب $4/1$ ، $4/6$ ، $5/1$ و $4/7$ درصد رشد خواهد داشت. این رقم در دوره 2005 تا 2010 نیز $5/2$ درصد پیش‌بینی شده است. تولید ناخالص به قیمت‌های جاری امسال به $5/84$ ، از 2001 تا 2005 به ترتیب $6/96$ ، $7/9$ ، $8/99$ ، $10/2$ و طی دوره 2005 تا 2010 به‌طور متوسط $18/9$ تریلیون روبل خواهد بود.

- ذخایر بانک مرکزی نیز از امسال $19/1$ ، $24/2$ ، $28/3$ و $35/2$ تا سال 2004 و از 2005 تا 2010 به‌طور متوسط $52/5$ میلیارد دلار خواهد بود.